

تاریخ کوشانیان با استفاده از منابع باستان‌شناسی

دکتر فرهنگ خادمی ندوشن

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده:

درباره تاریخ سیاسی کوشانیان، با استفاده از منابع باستان‌شناسی، تحقیقات مختلفی انجام گردیده است و محققین متعدد درباره گاه‌نگاری این قوم مهاجر آسیای مرکزی نظریات متنوع و جدیدی را ارائه می‌دهند.

در این مقاله، بر اساس کشفیات جدید باستان‌شناسان، سعی شده است که تاریخ شاهان این سلسله بازسازی شود؛ و گاه‌نگاری جدیدی را پیشنهاد می‌شود.

واژه‌گان کلیدی: کوشانیان، آسیای مرکزی، مهاجرت، باستان‌شناسی.

مقدمه:

کوشانیان، که در ابتدا در اثر فشار اقوام حاکم در ترکستان چین به طرف آسیای مرکزی مهاجرت کردند، پس از ورود به منطقه باختر با فرهنگ ایرانی - هلتی انطباق یافتند و سپس در مجاورت دولت‌های حاکم در افغانستان و پاکستان کنونی تشکیل حکومت دادند.

درباره سران قبایل کوشان، تا زمان ضرب سکه توسط هرمیوس، هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست. کتیبه‌های مضبوط بر روی اشیاء و ابنیه‌هایی که جهت هدیه و نذورات به معابد بودایی و هندو اهدا گردیده، دارای تاریخ‌های متفاوتی می‌باشند و اطلاعاتی را درباره وضعیت سیاسی آنان به ما می‌دهند. بر اساس اطلاعات باستان‌شناسی که از این کتیبه‌ها به دست می‌آید، می‌توانیم شاهان این سلسله و دوره حکومت آنان را مشخص کنیم و قلمرو سیاسی آنان را در ادوار مختلف تاریخی ترسیم نماییم.

جغرافیای سیاسی

کوشانیان در سرزمین افغانستان و پاکستان کنونی به پنج قبیله تقسیم شدند. از میان آنان کیوشنگ و یاکوشان، با پیروزی بر چهار قبیله دیگر، حکومت سیاسی کوشانی را بنیان گذاشتند. از آنجا که قلمرو اقتصادی کوشانیان فراتر از مرزهای سیاسی آنان بوده است، تعیین دقیق قلمرو آنان برای مورخان دشوار شده است.

شمال تاجیکستان، ازبکستان، تمام افغانستان، جنوب پاکستان کنونی و بخش شمالی هند، و همچنین از سوی غرب، مناطق واقع در بخش سفلی رودخانه سند و قسمت‌هایی از خراسان بزرگ، از جمله مناطقی هستند که می‌توان در چهارچوب قلمرو کوشانیان به حساب آورد. (بهزادی، قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، ص ۷۱-۶۸) البته، منابع تاریخی پامیر و مناطق کرگیز و قزاقستان را نیز از نظر تجارت و راه‌های ارتباطی تحت تسلط کوشانیان به حساب می‌آورند؛ چون از مسیر این مناطق بود که کانیسکا، حمله خود به چین را عملی کرد.

کوشانیان قبل از ورود به باختر

کوشانیان ابتدا در مناطقی واقع در بین کشورهای تی‌سی هوانگ (T-Seen Hoang) و توان‌تون هوانگ یا در حد فاصل سلسله کوه‌های کی‌لی‌سن (Ki Li cin) و تیان‌شنگ

(Tien Shañg) در ترکستان-چین، در استان کان سو، زندگی می‌کردند. در ۱۶۵ ق م، یکی از قبایل همسایه آنان، به نام هوسوانگ تو، به قبیله یوه چی حمله ور گردید (بهزادی، قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، ص ۶۴۴) و آنان را شکست داده، از سرزمین شان خارج کرد. قبایل یوه چی به سمت غرب حرکت کردند و، در سر راه، با قبیله وو سن جنگ کردند و پس از شکست آنان و به قتل رساندن سردارشان، در ۱۶۳ ق م، به قبیله سی یا سوک (فرامکین، ص ۴۴) حمله کردند. قوم سی در مقابل یوه چی از مرزهای خود دفاع نکردند و به سوی جنوب مهاجرت کرده، در آنجا سکنی گزیدند. فرزندی وو سن که بالغ گردید، با حمایت هو سوانگ نو، برای انتقام، به یوه چی حمله کرد. او موفق شد که یوه چی را از زمین‌های تازه تسخیر شده تیرون راند و به تاهیار، باختر، عقب راند. این چنین مهاجرت قوم یوه چی در ۱۳۰ ق م به باختر رسید.

کوشانیان در باختر

زمانی که قبایل یوه چی به باختر رسیدند، به پنج قبیله تقسیم شدند؛ کوشان یکی از این قبایل بود. اتو مانچن هالفن می‌گوید که به یوه چی، در منابع کلاسیک، سک می‌گفته‌اند (Halfman, P.11-18) اما در منابع، از آنان به نام تخاریان و اوسیت‌ها یاد شده است. (بهزادی، قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، ص ۱۰) بعدها چینی‌ها به بربرهایی که در شمال غربی مرزهای آنان زندگی می‌کردند، کیوشا و یا یوه چی می‌گفتند و کوشان قبیله حاکم آنان بوده است. قبایل آرسی و تخاری، تحت فشار کوشانیان به نقاط دوردست غرب مهاجرت کردند. آنان بعدها در کوهپایه‌های شمال قفقاز و در ساحل دریای سیاه اقامت گزیدند. در منابع، به برخی از قبایلی که مدتی طولانی همسایه تخاری‌ها بوده‌اند و یا با آنان روابط خانوادگی برقرار کرده‌اند، تخاری گفته شده است؛ چنانچه قبایل اسلاوونی خود را بلغار می‌نامیدند.

اینوکی، یوه چی را با سک‌ها یکی می‌داند. (Enoki, P. 13-38) به گمان وی، کلمه

یوهچی همان تغییر یافته سکه می باشد، چنانچه در نوشته های آشوریان به سکاها، اسکو جا گفته می شده است. هرودت، وقتی از ساکنین هند نام می برد، شمال هند را مسکن سکه ها می داند.

نام کوشان در ادبیات هند ناشناخته است. حتی تا زمانی که کوشان بر بخش عظیمی از این کشور برای دو قرن حکومت کردند، منابع هندی از آنان نام نمی برد. (Sircar, *Indian Epigraphy*, P.6) نکته قابل توجه این است که در منابع هند به نام سکه ها در کنار دیگر خارجی ها - مانند مسلمانان - نیز اشاره شده است. هندی ها اکثراً میان کوشانیان و سکاها تفاوت نمی گذارند؛ چون امپراطوری کوشانیان بر استان هایی سیطره یافت که قبلاً سکه ها بر آنجا حکومت می کردند.

در ۱۲۸ ق م، چانگ چن (Chang Chin)، افسر چینی که از غرب آسیا دیدن می کرد، به باختر رسید. یوهچی ها در زمان او در شمال سواحل رودخانه جیحون از القاب ترکی استفاده می کردند. آن ها قلمرو تسخیر شده را بین پنج قبیله خود تقسیم نموده بودند؛ که به ترتیب عبارت است از: هوسی می (Husi-Mi)؛ که تقریباً همان منطقه امروزی کرگیز است، شوانگ می یا چیتال در پاکستان کنونی، هی سن توان (Hisi Tuin) و پاون در پنجشیر افغانستان، کیوشانگ و کشور شمال گندهارا. مکرچی، گندهارا را همان کاتوفو می داند. احتمالاً این مردمان همان هایی هستند که در منابع تاریخی به نام سکه نامیده می شده اند، ولی هیچ گونه رابطه نژادی با آنان نداشتند؛ چنانکه ابن خرداد امیر سراسر ماوراءالنهر را کوشان شاه می خواند. (بارتولد، ص ۱۶۵) نام کوشانیان به صاحبان و امرای بعدی (هیاطنه) هم اطلاق می گردید.

تحقیقات مردم شناسی این حقیقت را آشکار می کند که کوشانیان ترکیبی از مردمان مختلفی بوده اند که مدت طولانی در سواحل رودخانه سیحون اقامت داشته اند و، به علت اقامت طولانی، با فرهنگ هلنی - ایرانی، که دارای ساختار پیشرفته اداری و اقتصادی بود، آشنا شدند و، به علت قرار گرفتن در مسیر بازرگانی، توانستند بعدها هسته

امپراطوری کوشان را بنا گذارند. (Gaforov, P.143, Mukhorjee, P.394-400)

حکومت کوشانیان

در میان شاهان کوشانی، اولین پادشاهی که به وسیله سکه‌هایش شناخته شده، هرپوس است. وی احتمالاً از ۵ تا ۵۵ میلادی حکومت می‌کرده است و اولین شاه کوشانی است که به پیشرفت‌های نظامی دست یافته است.

گریب او را شخصیتی تاریخی نمی‌داند و می‌نویسد: "به نظر می‌رسد که هرپوس نام مضبوط بر سکه‌های منقش به گاو نر و شتر بوده که در حقیقت از سری سکه‌های ضرب شده توسط کوجول کادفیسس بودند." بنابراین احتمالاً شخصی به نام هرپوس یا هرپروس یا سنب: در تاریخ وجود نداشته است و همه این سکه‌ها را کوجول در قرن اول میلادی - بین ۵۰ تا ۸۰ - ضرب کرده؛ که سکه‌های نقره‌ای را در شمال هندوکوش با نام‌های: هرپوس، هرپروس و سنب ضرب می‌کرده و سکه‌های مسی را، در مناطق تاکسیلا، به نام خودش و، در شمال هندوکوش، با نام سوترمگاس، ضرب می‌کرده است ولی در میان شاهان کوشانی چنین عملی متداول نبوده است که به نام‌های مختلفی به ضرب سکه پردازند؛ لذا، احتمالاً هرپوس کسی بوده که قبل از کوجول کادفیسس حکومت می‌کرده است.

درباره کوجول کادفیسس اطلاع دقیقی در دست نیست. ناراین دوزان حکومت او را بین ۲۷ تا ۱۰۰ میلادی قرار می‌دهد. (Narain, P.69) بیوار معتقد است که او در ۴۵ میلادی حکومت خود را آغاز کرده و معاصر گوندوفر، پادشاه اشکانی هند، بوده است و در غرب رودخانه سند حکومت می‌کرده است. (Bivar, P.219) کوجول، که از قبیله (بابگوس) می‌کوشنگ (کوشان) بوده، باقی قبایل را شکست می‌دهد و بنیان حکومت کوشان را تحکیم می‌بخشد. (بهزادی، ص ۶۵) در منابع چینی از او به عنوان کسی نام می‌برند که با آن‌سی جنگیده و قلمرو کابل را تسخیر نموده است و همچنین بخش

بخش جغرافیایی کی‌پین (Ki-pin) را - که در ادوار مختلف تاریخی نام محل‌های متفاوتی بوده است - تصرف کرده است. کونو آن منطقه را احتمالاً گندهارا می‌داند.

کوجول در سن ۸۰ سالگی درگذشته است. (Konow, P.Lxi)

منطقه آن‌سی - که طبق منابع چینی توسط اشکانیان تصرف می‌گردد - احتمالاً در سلطه اشکانیان هند بوده است. کوجول کابل را - که قلمرو شاه اشکانی هند، گوندفر اول، بوده است - تسخیر می‌کند. مکداول با اشاره به مکتوبات چینی‌ها کابل را یکی از پنج مقرر حکومتی قبایل کوشانی می‌داند. (Medowell, *The Successors of India- Greeks at* Beyram, P. 565) در زمان گوندفر اول، شاهان اشکانی هند کابل را برای همیشه به کوشانیان واگذار کردند. عدم وجود سکه‌های پاکور و ابدگسس موید آن است که گوندفر آن‌جا را به کوشانیان واگذار کرده بوده، و این اشغال احتمالاً بین ۴۵ تا ۶۵ میلادی صورت گرفته است. (Puri, p. 16) در حالی که تخت‌باهی و پنچیر به گوندفر و شاه کوشان اشاره دارند. (Konow, P.65 and 70)

گنجینه کشف شده از سرکاپ - که در آن سکه‌های گوندفر و پاکور پیدا شده - نظر مکداول را تایید می‌کند؛ یعنی پس از آنکه کوجول کادفیسس تاکسیلا را به طور موقت تسخیر کرد، آن را بعدها به پاکور واگذار کرد، در حالی که این قانع‌کننده نیست؛ چون طبق مدارک سکه‌شناسی، حکومت کوشانیان بر تاکسیلا تا اوم داشته است، حتی استفاده از القاب بلندی مانند شاه شاهان توسط کوجول در کتیبه نقره‌ای تاکسیلا - که دارای تاریخ ۱۳۶ عصر سکاها (۷۸ میلادی) می‌باشد - بر استمرار حکومت کوجول بر آن منطقه دلالت دارد.

الگوهایی که کوشانیان در زمان کوجول از طرح‌های سکه‌های رومیان اقتباس کرده‌اند، بیانگر رابطه فرهنگی کوشانیان و رومیان می‌باشد. ناراین زمان این تأثیرپذیری و تبادل فرهنگی را به قبل از ۵۸ میلادی، یعنی زمانی که هیرکانیان و کوجول سفیرانی را به روم فرستادند تا با رومیان علیه اشکانیان در استفاده از مسیر تجاری متحد گردند،

مرتبط می‌داند، ولی این فقط در حد حدس و گمان است. (Narain, p.61)

در حفاری‌های تاکسیلاتعدادی سکه کشف گردیده که بر روی آن نام کوجول کرا کادفیسس نوشته شده است. راپسون او را شاه دیگری از خانواده کوشانیان و جانشین استاندار پوشکلاوتی. زونونویس - که معاصر شاه دیگر کوشانی، ویم کادفیسس، بوده است - می‌داند. (Rapson, P.18) کونو نیز کوجول کرا کادفیسس را یکی از پادشاهان تحت امر ویم کادفیسس می‌داند.

مکداول سکه‌های موسوم به کوجول کرا کادفیسس را - که در لایه‌های اولیه سرکاپ کشف گردیده - متعلق به شخصی غیر از کوجول کادفیسس برمی‌شمارد. (Mcdowell, The interrelation between Indo - Parthion and Kushana chrouology, p.24) چاتوپودیا می‌گوید احتمالاً نام دیگر ویم کادفیسس در زمان نایب‌السلطنگی حکومت کوشانیان، کرا بوده است. (Chathôpadhyay, P.96) مارشان می‌گوید که از نام کرا و یا کالا، در ترکستان، برای شاهزاده‌ها استفاده می‌کردند، لذا احتمالاً کوجول کادفیسس و کوجول کرا کادفیسس یک نفر بوده‌اند (Mowshal, P.67)؛ شاید هم واقعاً دو نفر بوده‌اند.

تعداد زیادی سکه، که بر روی آن‌ها، به زبان یونانی، سوترمگاس (باسیلیوس باسیلیون سوترمگاس) و بر پشت آن‌ها، به زبان کروشتی، مهاراجاسا راجا دیرا جاسا. تراناسا نوشته شده، در افغانستان، پاکستان و مناطق شمالی هند کشف گردیده است. بیوار، با لحاظ اینکه این القاب توسط کوشانیان و اشکانیان هند مورد استفاده قرار می‌گرفته، می‌گوید احتمالاً ضرب‌کننده سکه‌های این شاه ناشناخته بین سال‌های ۶۴ تا ۷۸ میلادی حکومت می‌کرده است. گوپل (Bivar. P.18) نیز معتقد است که سوترمگاس شاهی غیر از کوجول و ویم کادفیسس، و رئیس یکی دیگر از قبایل کوشانی است. (Gobl, P.?)

باستان‌شناسان سعی کرده‌اند که این شاه ناشناخته را با مهاراجا گوшал - که در کتیبه پنجنتر، به سال ۱۰۲۲ عصر سکه‌ها (۶۵ میلادی)، به عنوان مهاراجا راجا تیراجا دیوا پوترا

ذکر شده - یکی معرفی کنند؛ زیرا در کتیبه ناکسیلا، با ذکر تاریخ ۱۳۶ عصر سکه‌ها (۷۵ میلادی) از وی نام برده شده است.

مطابق با نظر سرکار، سوترمگاس استاندار نیمه مستقلی بوده است که در تصرفاتی که ویم کادفیسس نموده، حکمرانی می‌کرده است. (Sircar, p.?) وایت‌هد احتمال می‌دهد که سوترمگاس پادشاهی معاصر کوجول و ویم کادفیسس بوده است (Whitehead, P.160 ff) اما مکرگی سوترمگاس را در فاصله زمانی مابین کوجول کادفیسس و ویم کادفیسس - که به طور هم زمان حکومت کرده‌اند - قرار می‌دهد. وجود سبیل نیزه سه سر سوترمگاس و ناندی پاد - که ویم کادفیسس استفاده می‌کرده - موید رابطه‌ای میان این دو حاکم است.

سوترمگاس اولین شاه کوشانی است که نظم پولی را بنیان نهاد. سکه‌های او دارای تصویری از الوهیت میترا است؛ که بر پشت آن نقش شاهی که بر روی اسب نشسته، نقش بسته است. این نوع سکه‌ها عموماً در افغانستان پیدا شده‌اند.

این سکه‌های استاندارد به قصد جانسین کردن نیستم پولی چند وزنی ضرب گردیده است و کوشانیان این شیوه را از آنان به ارث برده‌اند و سوترمگاس - که بعد از کوجول کادفیسس و قبل از ویم کادفیسس حکومت می‌کرده - به ضرب سکه‌های طلا پرداخته است؛ لذا، احتمالاً پایان حکومت او در شمال افغانستان بوده است.

کوشانیان بزرگ

ویم کادفیسس

ویم کادفیسس اولین شاه کوشانی است که بر هند استیلا یافت و حکومت کوشانیان را با تسخیر هند گسترش داد. او احتمالاً جانسین پدرش، کوجول کادفیسس، گردید. راپسون^۱ شروع سلطنت او را از ۷۸ میلادی می‌داند و معتقد است که وی در میان شاهان کوشانی طولانی‌ترین حکومت را داشته است. (Rapson, P.554) گوبل دوران حکومت او را بین

۱۶۶ تا ۲۳۰ میلادی قرار می‌دهد. وی این تاریخ را از روی سکه‌هایی تخمین می‌زند که احتمالاً، در سال ۲۰۱۵، یعنی در عصر خود ویم کادفیسس، ضرب گردیده‌اند. (Gobl, P.15)

تنها کتیبه‌ای که به ویم کادفیسس نسبت داده می‌شود، کتیبهٔ کروشنی است که به سال ۱۸۴ و یا ۱۸۷ دوران سک‌ها تعلق دارد. (Birar, P.238) سرکار، بر اساس این کتیبه، ویم کادفیسس را اولین شاه کوشانی می‌داند که تسلط خود را فراتر از مرزهای هند توسعه داده است. (Rapson, P.526)

یقیناً ویم کادفیسس بر ناکسیلا حکومت کرده است. وی این مناطق را در ۷۸ میلادی از دست پناگور، شاه اشکانی هند، بیرون کرد و شاهان اشکانی هند را از قندهار و آراخوزیا بیرون راند. سکه‌های وی - که بر روی آن نیم‌ته‌ای با سر بند و بر پشت آن نایکه با حلقه‌ای گل در دست می‌باشد - مؤید این مدعا است. (Mukharjee, P.39) بر روی یکی از سکه‌ها تصویر شاه، به حالت ایستاده، در کنار یک آتشکده، دیده می‌شود و طرح آن از روی سکه‌های اردوان سوم، شاه اشکانی، الگو برداری شده است. این نشان می‌دهد که احتمالاً وی بخشی از قلمرو اشکانیان را تسخیر کرده بوده است. (Wellwood, Type.61)

ویم کادفیسس اولین شاه کوشانی است که سکهٔ طلا ضرب کرده است. گوبل زمان ضرب این سکه‌ها را به قبل از تسخیر هند نسبت می‌دهد. سکه‌های نقره‌ای وی برای استفاده در مناطق جنوبی استان سند (جایی که قبلاً سکه‌های نقره‌ای گوندوفر جریان داشت) ضرب می‌شده است.

احتمالاً ویم کادفیسس از خود جانشینی نداشته است و، بر همین اساس هم، لوین زوننس پسر برادر او را جانشین وی دانسته است؛ در حالی که وی یک استاندان بوده و هیچ رابطهٔ خویشاوندی با کادفیسس نداشته است.

کانیشکا

کانیشکا بنیان‌گذار عصر جدیدی بوده که به نام او (عصر کانیشکا) معروف است. درباره زندگی شخصی او نوشته‌ای موجود نیست. در تعداد زیادی از کتیبه‌های کشف شده فقط نام او ذکر شده است. تاریخ سلطنت او، از ۱ تا ۲۳ عصر کانیشکا، می‌باشد. در خصوص آغاز حکومت او تاریخ‌های متفاوتی ذکر شده است؛ سرکار، باشیم و مکداول تاریخ آن را ۱۴۴ میلادی، و تولستوی ۱۰۰ میلادی ذکر می‌کند.

احتمالاً وی یکی از رهبران قبایل کوشان بوده است. نوشته‌های تبتی، کانیشکا را به عنوان شاه کوشان معرفی می‌کنند؛ که به هند حمله می‌کند و شهر ساکت (Saketa) را از بین می‌برد. (Thomas, xxxII, P.34; Rochills, P.240; Konow & Fleet, p. Lxxvi)

جنگ بین اشکانیان و رومیان، در قرن اول و دوم میلادی، فرصتی بود تا کانیشکا قدرت کوشانیان و خود را تقویت کرده، قلمرو خویش را، از سیحون تا گنگا، گسترش دهد. عدم ذکر نام کانیشکا توسط مورخین رومی به علت فقدان ارتباط مستقیم بین رومیان و کوشانیان بوده است. مگرچی، به قطع، نظر می‌دهد که امپراطوری کوشان در زمان کانیشکای اول در سیاست بین‌المللی نقش مهمی را ایفا می‌نموده است. (Mukharjee, P. 86)

کشف تعداد زیادی از سکه‌های کانیشکا و جانشینان او، در مناطق مختلف استان‌های جنوب بیهار، بنگال و اوریسا، در هند، تأیید آن نیست که کوشانیان بر این مناطق حکمرانی نموده‌اند، بلکه این سکه‌ها شاهی بر وجود ارتباط تجاری در این مناطق می‌باشد. (Gupta, P 11 and 182)

کتیبه‌های کروشتی که، بر روی کاسکت، در معبد بودایی کانیشکا، در نزدیکی پیشاور، کشف شده است و مربوط به سال اول حکومت او می‌باشد، نشانگر آن است که کانیشکا از طریق آسیای مرکزی و پیشاور به هند وارد شده است. احتمالاً کانیشکا زمستان را در منطقه گندهارا اقامت می‌گزیده و در پائیز و بهار در شهرهای مختلف هند

اردو می‌زده است؛ یعنی تابستان را در پایتخت خود، کاپیسا، اقامت می‌کرده؛ ولی به علت کمبود منابع نوشتاری این مدعا همچنان در حد یک فرضیه می‌باشد.

در اواخر عمر، کانشیکا لشکری به تعداد ۷۰ هزار سوار را برای جنگ با چینیان اعزام نمود. این لشکر با گذشتن از رشته کوه‌های تی سی وانگ (T. Suang wang) در یک دشت وسیع با سربازان چینی روبرو شدند، ولی سربازان کوشانی از چینی‌ها شکست خوردند. آنان نهایتاً به پرداخت خراج به امپراتور، چین هوتی (Hoti) (۱۰۵-۹۸ میلادی) مجبور گردیدند.

در نوشته‌های بودایی از جنگ کانشیکا و اشکانیان سخن رفته است. (Sircar, p.142-3) به نظر می‌رسد کانشیکا با شاه اشکانی، خسرو (۱۲۷/۸ - ۱۰۸/۹ میلادی) - که پادشاه ضعیفی بود و از تراژان شکست خورد - معاصر بوده است. (Bashem, P. 234) منابع بودایی را می‌توان پذیرفت اما، اگر وی در اواسط قرن اول (۷۸ تا ۱۰۱ میلادی)، یعنی در زمان شاه اشکانی، بلاش (۷۹-۷۰ میلادی)، حکومت کرده باشد، آن‌گاه منابع بودایی از اعتبار می‌افتند. احتمالاً، تراژان، در سال ۱۴۰ میلادی، یعنی زمانی که کانشیکا در اوج قدرت بود، به خلیج فارس رسیده، و احتمالاً در همین محل بوده که رومیان، با شرف ایران آشنا شده‌اند؛ ولی برای این فرضیه هیچ مدرک تاریخی نمی‌توان ارائه داد. (Denis, P. 165)

کشف سکه‌های کانشیکا و نوشته‌های باقیمانده درباره او، به همراه مدارک باستان‌شناسی، نشان می‌دهد که قلمرو حکومتی او شامل تمام تاجیکستان، بخش اعظم از بکستان، قسمتی از کرگیز و جنوب ترکمنستان و تقریباً تمام افغانستان و پاکستان و شمال هند بوده است. (Puri, P: 28) او به خود لقب فرزند خدا (Deraputra) و بنیان‌گذار فرهنگی شاه پرستی داده بود، در همین راستا، تندیس شاه کوشان در معبد دواکولا (Devakula) در ماتورا (Mathura) و سرخ کُتل نصب گردیده است. (Rosen field, P.6-8) ظهور او در تندیس و سکه مؤید الوهیت وی است. طبق روایتی داستان‌گونه، کانشیکا در

ضیافت وزیرش به قتل می‌رسد. (Mukharjee, P. 91)

واشیشکا

فلنت اولین محققى است که واشیشکا را جانشین کانشیکا معرفی کرد. مورخ کشمیری او را بنیان‌گذار شهر جوشوامی و نامش را جوشیکا (Juahka) ذکر کرده است. (Jaswami pure, P. 168) کتیبه‌ای، به مورخه سال ۲۲ عصر کانشیکا، به پادشاهی به نام واستاهانا (Vastahana) اشاره دارد. بر روی یک تندیس بودایی ساخته شده از سنگ منطقه ماتورا - که در سانچی پیدا شده - و ذر کتیبه کرما (Karma) (به مورخه سال ۲۰ دوران کانشیکا) از پادشاهی به نام واجیشکا سخن رفته است. این دو کتیبه دلالت دارد که وی حاکمی هم عصر کانشیکا بوده است. در کتیبه سر ستون آیساپور (Isapur) و دیگر کتیبه‌ها نام واشیشکا در ذیل تاریخ ۲۴ عصر کانشیکا حک گردیده و این کتیبه‌ها نیز از سنگ‌های منطقه ماتورا ساخته شده است. این‌ها نمایانگر آن است که پس از مرگ کانشیکا، واشیشکا بر کلیه قلمرو کوشانیان حکمرانی می‌کرده است.

(Agraval, iv, NO.Q 13; Vogel, P. 131)

لودر می‌گوید که پس از واشیشکا میان کوشانیان اختلاف افتاد. (Louder, P. 95-105) کانشیکای دوم بر بخش شمالی و هاویشکا بر مناطق هند حکومت می‌کرده است؛ در نتیجه در سال ۵۱ عصر کانشیکا، هاویشکا بر کل قلمرو کوشانیان سیطره یافته است. بر روی کتیبه آرا (Ara) - که متعلق به سال ۴۱ عصر کانشیکا می‌باشد - نوشتار مهاراجا راجاتیار جاتو، پوترا کیسرا و اجراه کانشیکا حک شده است. (Xknow, Lxxx) این کتیبه‌ها - که به سال‌های ۳۳ تا ۶۶ عصر کانشیکا تعلق دارد - نمایانگر تداخل حکومت این دو پادشاه با یکدیگر است؛ بنابراین ظاهراً کانشیکای دوم برای مدتی با هاویشکا هم عصر بوده است.

هاویشکا

بعد از مرگ کائیشکای دوم به نظر می‌رسد که هاویشکا، نوۀ ویم کادفیسس، بر کلیۀ قلمرو کاشانیان حکمرانی می‌کرده است. (Sircar, P.150) کتیبه‌ای که بر روی پای تندیس توکری تلا (Tokri tila) نزدیک روستای مات پیدا شده است، بیانگر آن است که معبد در حال تخریب توسط هاویشکا و پدر بزرگش تعمیر و بازسازی گردیده است. ویم کادفیسس اولین شاه کوشانی بوده که قلمرو خود را بر هند توسعه داده است. مطابق کتیبه‌های کشف شده، هاویشکا، نوۀ ویم کادفیسس و جانشین واشیشکا بوده و مدتی طولانی حکومت نموده است. نسبت به کائیشکا، سکه‌های طلای او زیاد و دارای گونه‌های بیشتری می‌باشد. نام او، در کتیبه‌های کشف شده، در خلال سال‌های ۲۸ تا ۶۰ عصر کائیشکا، ذکر گردیده است.

اولین اشاره به واسودوا، شاه بعدی، متعلق به سال ۶۴ عصر کائیشکا است. بنابراین به نظر می‌رسد که حکومت هاویشکا بین ۶۰ تا ۶۴ میلادی به پایان رسیده است. بعضی از محققین معتقدند که مانند کائیشکا، دو هاویشکا وجود دارد. (Srinivasan, P. 124-139) گوپتا بعد از آنکه به طبقه‌بندی سکه‌های کائیشکا بر اساس نوشتار روی آنان پرداخته، آنان را به نام دو پادشاه، با نام‌های کائیشکا و کائیشکو، تقسیم‌بندی نموده، و همچنین معتقد است که سکه‌های هاویشکا را نیز می‌توان به هاویشکا و هاویشکو تقسیم نمود. (Sharva, P.123)

در یکی از سکه‌ها، هاویشکا سربندی شبیه به جهانگیر، پادشاه گورکانی هند، بر سر دارد؛ که نشان می‌دهد وی از ساکنین آسیای مرکزی بوده است. در نوشته‌های مورخ کشمیری نیز نام او وجود دارد؛ پس او بر کشمیر نیز حکومت کرده است. احتمالاً مجدوده شمال غربی قلمرو هاویشکا، تا شرق افغانستان، امتداد داشته است. نقش الهه رودخانه سیحون بر روی سکه‌هایش تسلط وی بر بخش شمالی افغانستان و ماوراءالنهر را تأیید می‌کند. بر اساس مستندات باستان‌شناسی، می‌توان ثابت کرد که هاویشکا بخش

جدیدی بر قلمرو کوشانیان اضافه کرده است.

واسودوا

واسودوا آخرین شاه پر قدرت شاهان کوشانیان بود. مکرچی دوران حکومت او را بین ۱۳۷/۸ تا ۱۴۱/۲ میلادی می‌داند. (Mukharjee, P.930) ییوار برای او تاریخی بین ۱۹۱ تا ۲۲۵ میلادی قرار می‌دهد. آخرین تاریخ‌کتاب‌های هاریشکا، که متعلق به عصر کانشیکا باشد، سال ۶۰ است؛ بنابراین آغاز حکومت او را، از ۶۰ یا ۶۴، و پایان آن را، سال ۹۰ عصر کانشیکا، باید دانست.

گوبل دوران حکومت او را بین ۲۹۳ تا ۳۱۲ میلادی قرار می‌دهد و او را معاصر امپراتور روم، کونستانتین اول (۳۰۶-۳۳۷ میلادی) قرار می‌دهد و به نظر می‌رسد که او از ۱۸۸ تا ۲۲۲ میلادی حکومت کرده است. (Gobl, P.159)

مکرچی دوران حکومت او را، بین ۱۳۸ یا ۱۴۱ تا ۱۷۵-۶ میلادی، قرار داده و می‌گوید که در زمان او آشوب‌های محلی در بگرام و بخش غربی قلمرو او صورت گرفته است. وی اضافه می‌کند که هیچ‌گونه نشانی از تداوم حکومت کوشانیان در منطقه بگرام نمی‌توان یافت، ولی می‌توان پذیرفت که بخشی از استان‌های مرزی شمال غربی پاکستان، پنجاب و هاریانا تحت سیطره حکومتی او بوده است. (Mukharjee, P.155) کانشیکای سوم جانشین او گردیده است و به نظر می‌رسد بعد از کانشیکای سوم، واسودوای دوم بر قلمرو کوشانیان حکمرانی کرده است.

سقوط کوشانیان

طبری می‌نویسد اردشیر، همان روز که لقب شاه شاهان بر خود نهاد، به طرف همدان حمله ور گردید و آنجا را با زور متصرف شد و سپس به آذربایجان، ارمنستان و موصل و سورستان رفت و، بعد از آنکه به استخر بازگشت، از آنجا به سجستان و سپس به گرگان

و از گرگان به ابرشهر، مرو، بلخ، خوارزم و نقاط دوردست خراسان وارد گردید. از آنجا به مرو بازگشت و بعد از آنکه تعداد زیادی را گردن زد و سر آنان را به معبد آناهید فرستاد، در بازگشت از مرو به فارس، در گوز اقامت گزید. طبری می‌نویسد زمانی که اردشیر در گور بود، سفیر کوشان به دربار او شرف‌یاب گردید و پادشاهی خود را به او عرضه کرد. این نمی‌تواند دلیل آن باشد که اردشیر قلمرو کوشانیان را بدون خونریزی فتح کرده باشد. شاید وی سربازانش را به هندوکوش گسیل کرده بوده تا شهر بگرام را در آتش بگیرند، و لذا شاه کوشانی سفیر خود را به درگاه شاه ساسانی می‌فرستد تا پادشاهی خود را تقدیم او نمایند. طبق مستندات سکه‌شناسی، پس از مرگ واسودا، افغانستان بخشی از حکومت ساسانیان گردید. به علاوه، بر اساس مدارک ثبت شده زمان شاپور اول، وی بخش غربی منطقه گندهارا را به امپراتوری خود ضمیمه کرده است و بخش شرقی گندهارا در دست کانیشکای سوم و واسودای دوم بوده است. بعد از او سکاها آن مناطق را متصرف گردیدند.

نتیجه

کوشان از قبایل یوه‌چی بوده‌اند که توسط ترک‌های چینی اخراج و بعد از طی مسافت طولانی سر از باختر درمی‌آورند. آنان از رودخانه سیحون عبور کردند و برای مدتی در سغد سکنی گزیدند. در آنجا با فرهنگ ایرانی آشنا شدند و پس از ورود به مناطق درونی جنوب سیحون به پنج یابگوس (قبیله) تقسیم شدند و بر مناطق مختلفی حکومت کردند.

یابگوس کپوشنگ آنان را سرکوب کرد و به حکومت سکاها، یونانیان و اشکانیان هند پایان داد. هریوس اولین شاه شناخته شده کوشانیان است و از او سکه‌هایی کشف گردیده است. کوچول کادفیسس جانشین او گردید و دره کابل را از دست شاهان اشکانی هند خارج نمود. جانشینان او کوچول کرا کادفیسس و سوترمگاس بودند. کوچول کرا

منطقه گندهارا و سوترنگاس منطقه آریا را تسخیر کرد. ویم کادفیسس به هند حمله کرد و زمین‌های حاصلخیز پنجاب را تسخیر کرد و همچنین قدرت کوشانیان را در آراخوزیا بسط داد. کایشکا جانشین ویم کادفیسس گردید. وی، خود، احتمالاً از منطقه کرگیز بود. پس از وی هاویشکا، واشیشکا، کایشکای دوم، کایشکای سوم و واسودوای دوم بر قلمرو کوشانیان حکمرانی کردند. (Burns, P.55-77)

بعد از آنکه ویم کادفیسس شمال هند را تسخیر کرد، از قدرت مالی و نظامی زیادی برخوردار گردید. بعد از او کایشکا و جانشینانش به حکومت کوشانیان در هند ادامه دادند، تا آنکه، در زمان ساسانیان، اردشیر بر اردوان پنجم پیروز شد و سیستان، خراسان، مرو و بلخ را تصرف کرد و حاکمان کوشانی پنجاب و کابل و شاهان توران و مکران خود را به او تسلیم نمودند.

تسلط ساسانیان بر قلمرو کوشانیان و مناطق اطراف آن، در زمان شاپور اول، صورت گرفت و برادر جوان او، کوشان‌شاه، استاندار وی در امر کوشانیان بود که در بلخ به ضرب سکه پرداخت. بعدها، در کتیبه پایکولی، از کوشان‌شاه، به عنوان یک شاه مستقل، نام برده شده است؛ که یقیناً منظور از آن یک حاکم کوشانی در کابل و پنجاب می‌باشد و این می‌تواند تاییدی بر آن باشد که کوشانیان، پس از تسخیر بخشی از حکومت خود توسط اردشیر، دوباره حکومت مستقل خود را تشکیل داده‌اند. اردشیر، پس از قلمرو کوشانیان، شمال هندوکش را تصرف نموده بود، با این همه، برخی قبایل کوشانی همچنان به حکومت خود در پیشاور ادامه دادند و در مناطق اطراف کابل و پیشاور قلمروی برای خود بنا نمودند.

منابع و مآخذ:

بارتولد. و. ترکستان‌نامه. تهران.

بهبزادی، رقیه. قومهای کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور

نخارج، ۱۳۷۳.

بهبزادی، رقیه. «کوشان‌ها». مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. (سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۱).

فرامکین، گرگوار. باستان‌شناسی در آسیای مرکزی. ترجمه صادق ملک شه میرزادی. تهران: ۱۳۷۲.

Bashem. A.L. *Papers on the date of Kanishka*. Leiden, 1968.

Bivar. A.D.H. *Cambridge History of Iran*. London, 1983.

Burns. G.A. "Last Kushanan Decades". *Numismatic Digest*. Nasilk, 1982.

Chathopadhyay. *S.Kushana Stste and Indian Society*. Calcutta, 1975.

Denis.S.*The Cambridge History of Early inner Asia*. London, 1992.

Enoki.*On the Date of the Kiderites*. MRDTB.Vol.28

Chirshman. R.*Iran from the Earliest times to the Islamic Conquest*. Pelican Publication, 1954.

Gafurov. B.*Kushana Studies in USSR*. Calcutta, 1970.

G o b l. R. *Munragung der Kusch Von Wimo Kadphes Bis Bahram IV*. Frankfurt), 1954.

√ Jupta.P.L., "The dates of Kushana Currency in the Eastern India". *Journal of Numismatic Society of India*. Varanasi.

Konow. S. *Corpus Indicarium Insriptium*. Calcutta, 1929.

Leeuw *Scythian Period*. leiden, 1949.

Macdowell.D.W., "The successors of Indo Greeks at Beram". *South Asian Archaeology*. London, 1986.

Macdowell.D.W. *Archaeology of Afghanistan From the Earliest Times till Timurid Conquest* (London), 1978.

Macdo well.D.W." The interrelatan between Indo_Parthian and

- Kushana chronology"Histoinc ET Cultes Dol" *Asia Central Preislamiqus*. Paris, 1991 Marshal. J. Taxila. Cambridge.
- Mukharjee. "B.N. *Rise and Fall of Kushana*. Delhi, 1990.
- . *An Agrippan Source a Study of Indo_ Parthian History*. Calcutta, 1969.
- Narain. A.K. *From Alexander to Kanishka*. Varanasi, 1967
- Puri. BN. *India Under Kushanas*. Bombay, 1965.
- Rapson. E.J. *Cambride History of India*, Vol.L. Delhi, 1956.
- Rosenfield. J. *Dynastic art of Kushana*. Los Angles, 1967.
- Sircar. D.C. *Age of Imperial Unity* Bombay, 1961.
- Shrva. S. *The Kushana Numismatic*. Delhi, 1985.
- Sellwood. D.G. *An Introduction to the coinage of Parthia*. London, 1967.
- Whitehead, R.B. *Pangab Museum catalogue*. Lahore, 1968.